

## یکی از تکان دهنده ترین و مهمترین خطبه های امام حسین (ع)

این خطبه معروف به خطبه ی منا است که امام یکسال پیش از حادثه ی عاشورا و مرگ معاویه بیان کردند. این خطبه یکی از تکان دهنده ترین و مهمترین خطبه های امام است و نزد حدود ۲۰۰ تن از صحابه و حدود ۷۰۰ نفر از تابعین که عموماً از طبقه ی خواص جامعه ی آن دوران بودند ایراد شده است.

### متن عربی خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتبروا ايها الناس بما وعظ الله به اوليا من سو ثنائيه على الاخبار اذ يقول : « لو لا ينهيم الربانيون و الاخبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت » و قال : « لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داوود و عيسى ابن مريم ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون، كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون »

و انا عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين اظهروهم المنكر و الفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبه فيما كانوا ينالون منهم و رهبه مما يحذرون والله يقولك « فلا تخشوا الناس و اخشون » و قال : « المومنون و المومنات بعضهم اوليا بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر » فبدالله بالامر بالمعروف و النهى عن المنكر فريضه منه لعلمه بانها اذا ادبت و اقيمت استقامت الفرائض كلها هينها و صعبا و ذلك ان الامر بالمعروف و النهى عن المنكر دعاه الى الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفبي و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فى حقها

ثم انتم ايها العصابه عصابه بالعلم مشهوره و بالخير المذكوره و بالنصيحه معروفه و بالله فى انفس الناس مهابه . يها بكم الشريف و يكرمكم الضعيف و يوثركم من لا فضل لكم عليه و لا يد لكم عنده , تشفعون فى الحوائج اذا امتنعت من طلابها و تمشون فى الطريق بهيبه الملوك و كرامه الاكابر. اليس كل ذلك انما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله و ان كنتم عن اكثر حقه تقصرون فاستخفتم بحق الائم

فاما حق الضعفا فضيعتم و اما حقكم بزعمكم فطلبتم . فلا ما لا بذلتموه و لا نفسا خاطرتم بهالذى خلقها و لا عشيره عاديتموها فى ذات الله انتم تتمنون على الله جنته و مجاوره رسله و امانا من عذابه . لقد خشيت عليكم ايها المتمنون على الله ان تحل بكم نقمه من نعماته لانكم بلغتكم من كرامه الله منزله فضلتم بها و من يعرف بالله لا تكرمون و انتم بالله فى عباده تكرمون و قد ترون عهدالله منقوضه فلا تفزعون و انتم لبعض ذمم آباءكم تفزعون و ذمه رسول الله صلى الله عليه و اله محفوره و العمى و البكم و الزمنى فى المدائن مهمله لا ترحمون و لا فى منزلتكم و لا من عمل فيها تعينون و

بالادهان و المصانعه عندالظلمه تامنون , كل ذلك مما امركم الله به من النهى و التناهى و انتم عنه غافلون . و انتم اعظم الناس مصيبه لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون .

ذلك بان مجارى الامور و الاحكام على ايدى العلمات بالله الامنا على حلاله و حرامه فاتتم المسلوبون تلك المنزله و ما سلبتم ذلك الا بتفرقكم عن الحق و اختلافكم فى السنه بعد البينه الواضحه . و لو صبرتم على الاذى و تحملتم المومونه فى ذات الله كانت امورالله عليكم ترد و عنكم تصدر و اليكم ترجع و لكنكم مكنتم الظلمه من منزلتكم و استسلمتم امورالله فى ايديهم يعملون بالشبهات و يسيرون فى الشهوات . سلطهم على ذلك فراركم من الموت و اعجابكم بالحياه التى هى مفارقتكم , فاسلمتم الضعفا فى ايديهم فمن بين مستعبد مقهور و بين مستضعف على معيشته مغلوب , يتقلبون فى الملك بارائهم و يستشعرون الخزى باهوائهم اقتدا بالاشرار و جراه على الجبار , فى كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع , فالارض لهم شاغره و ايديهم فيها مبسوطه و الناس لهم حول لا يدفعون يدلامس , فمن بين جبار عنيد و ذى سطوه على الضعفه شديد , مطاع لا يعرف المبدى المعيد فياعجيا و مالى اعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل [لا] على المومنين بهم غير رحيم . فالله الحاكم فيما فيه تنازعنا والقاضى بحكمه فيما شجر بيننا .

اللهم انك تعلم انه لم يكن ما كان منا تنافسا فى سلطان و لا التماسا من فضول الحطام و لكن لنرى المعالم من دينك و نظهر الاصلاح فى بلادك و يامن المظلومون من عبادك و يعمل بفرائضك و سننك و احكامك . فان لم تنصرونا و تصفونا قوى الظلمه عليكم و عملوا فى اظفا نور نبيكم . و حسبناالله و عليه توكلنا و اليه انبنا و اليه المصير

\*اي مردم، بزرگان عبرت بگيريد از موعظه‌ای که خداوند به دوستان خود در قرآن میفرماید اگر شما خود را اولیای خدا میدانید، و اگر دیندارید و مخاطب قرآن هستید پس بی تفاوت ننماید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده‌اید که خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آنها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت بی عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ و نیز فرمود: «نفرین بر کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند. آنها که امر به معروف و نهی از منکر نکردند، و چه بد عمل کردند.»

\* خداوند علمای مسیحی، یهودی و روحانیون و آگاهان ادیان قبل را نکوهش کرد زیرا ستمگرانی جلوی چشم آنها

فساد میکردند و اینان میدیدند و سکوت میکردند و دم بر نمی آوردند. خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه‌ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماستمالی میکنید و رد میشوید؟ چرا سکوت کرده‌اید؟ علت آن این است که عده‌ای از شما میخواهید که سیبالتان را چرب کنند و عده‌ای از شما هم میترسید که سیبالتان را دود بدهند. عده‌ای طمع سفره دارید و سفره‌ی چرب میخواهید تا بخورید و میگویید که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلا که بساطمان رو به راه است و عده‌ای از شما نیز میترسید. اما مگر در قرآن نمیخوانید که فرمود از مردم نترسید از حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز نترسید از من بترسید!

آیا شما این آیه را ندیده‌اید؟ آیا سوره‌ی توبه را نخوانده‌اید که میگوید زنان و مردان مومن نسبت به یکدیگر ولایت اجتماعی دارند و حق دارند در کار یکدیگر دخالت بکنند. به این اندازه که یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند. خداوند این حق و اجازه را داده است که شما نسبت به یکدیگر بی تفاوت نباشید بلکه حساس باشید. اگر همین یک اصل امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت دائمی و انتقاد و اعتراض و تشویق به خیرات و عدالت و مبارزه در برابر ظلم و بی عدالتی و تبعیض اجرا بشود بقیه‌ی فرائض، تکالیف الهی نیز اجرا می شود و همین یک حکم را شما عمل بکنید! نترسید! دنبال دنیا نباشید! سورچران نباشید! اما هیئات که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم.

امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و دین است منتها دعوت زبانی تنها نه صرفا اینکه ای مردم بیایید و مسلمان شوید! اسلام خوب است و به بعضی شبهاتتان پاسخ بدهیم و تمام. اما نهی از منکر با رد مظالم، جبران همه‌ی بی عدالتی‌هایی که میشود و شده است. و نه صرفا گفتن اینکه عدالت خوب است و ظلم بد است. یعنی در برابر ظلم و ستمهایی که شده، ایستادن و آنها را عقب زدن و جبران بی عدالتی‌ها، وظیفه عملی شماست. باید درگیر شوید و با ستمگران، چشم در چشم بایستید و بگویید: نه!

باید انتقاد و اعتراض کنید و یقه‌شان را بگیرید. تقسیم عادلانه بیت المال و اموال عمومی و توزیع عادلانه ثروت حکم خداست. گرفتن مالیات از ثروتمندان و هزینه کردن آن به نفع فقرا ادامه همان تکلیف است. شما گروهی که به آدمهای خوب مشهورید و عالمان دین خوانده میشوید، به خاطر خداست که در نزد مردم هیبت دارید و هم بزرگان و هم ضعفا از شما حساب می برند.

\* به نام دین از شما حساب می برند و و احترام می گذارند و شما را بر خودشان ترجیح می دهند. در حالی که هیچ

فضیلتی بر آنها ندارید. و هیچ خدمتی به این مردم نکرده‌اید. و مردم مجانی برای شما احترام قائل‌اند. و شفاعت شما را می‌پذیرند. شما به نام دین است که اعتبار و نفوذ کلمه دارید. در خیابان‌ها مثل شاهان نام می‌برید. و با هیبت و کبکبه رفتار می‌کنید. به راستی چگونه به این احترام و اعتبار اجتماعی رسیده‌اید. فقط به این علت که مردم از شما توقع دارند که به حق خدا قیام کنید. اما شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده‌اید و حق رهبران الهی را کوچک شمرده‌اید.

\* حق مستضعفان و طبقات محروم جامعه را تضییع کرده‌اید. شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمده‌اید. این حقوق را نادیده گرفته‌اید و سکوت کرده‌اید اما هر چیز که فکر میکردید حق خودتان است مطالبه کردید. شما هر جا حق ضعفا و مستضعفین بود کوتاه آمدید و گفتید ان شاءالله خدا در آخرت جبران میکند اما هر جا منافع خودتان بود ان را به شدت مطالبه کردید و محکم ایستادید. شما نه مالی در راه خدا بذل کردید و نه جانتان را در راه ارزشها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویشها و دوستانتان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر بشوید. با همه‌ی این کوتاهی‌ها از خدا بهشت را هم میخواهید؟ پس از همه‌ی این عافیت طلبی‌ها و دنیا پرستی‌ها منتظرید که در بهشت همسایه‌ی پیامبران او باشید! در حالی که من میترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد.

خداوند از شما انتقام خواهد گرفت. مقام شما از کرامات خداست. دستاورد خودتان نیست. شما مردان الهی و مجاهدان و عدالت‌خواهان را اکرام و احترام نمیکنید و تکلیف شناسان را قدر نمیدهید. حال آنکه به نام خدا در میان مردم محترمید. ببینید که پیمانهای خدا در این جامعه نقض میشود و آرام نشسته‌اید و فریاد نمیزنید اما همین که به یکی از میثاقهای پدرانتان بی‌حرمتی شود داد و بیداد به راه میاندازید. میثاق خدا و پیامبر خدا زیر پا گذاشته شده، شما آرامید، سکوت کرده و آن را توجیه میکنید. حال میثاق پیامبر در این جامعه تحقیر شده است؛ لاله‌ها، زمینگیران، کوران، فقرا و بیچاره‌ها در سرزمینهای اسلامی بر روی زمین رها شده‌اند و بی‌پناهند و کسی به اینها رحم نمیکند. شما به این وظیفه‌ی دینی و الهی‌تان عمل نمیکنید و کسی مثل من هم که میخواهد عمل کند، کمکش نمیکنید.

میثاق خدا این است که بیچاره‌ها و زمینگیرها نباید در شهرها گرسنه بمانند و کسی به دادشان نرسد. این میثاق خداست و شما خیانت کرده‌اید. شما مدام به دنبال ماستمالی و مسامحه؛ یعنی سازش با حاکمیت هستید تا خودتان امنیت داشته باشید، ولی امنیت و حقوق مردم برایتان مهم نیست. فقط امنیت و منافع خودتان برایتان مهم است. همه‌ی اینها محرّمات الهی بود که می‌بایست ترک میکردید و نکرديد.

\* شما می‌بایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر میکردید و نکردید، و مصیبتان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده‌ی اسلام میدانستند. مجرای حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باید به دست علمای الهی باشد که امین بر حلال و حرام خداوند هستند، اما شما کاری کردید که این مقام را از آنها گرفتند و موفق شدند حکومت را منحرف کنند، زیرا شما زیر پرچم حق متحد نشدید و پراکنده و متفرق شدید و در سنت الهی اختلاف کردید با این که همه چیز روشن بود. اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی‌عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آنکه آنان به شبهات عمل می‌کنند و طبق شهوات خود حکومت می‌کنند و دین را از حکومت تفکیک کردند.

فرار شما از مرگ، اینان را بر جامعه مسلط کردند، شما به زندگی دنیایی چسبیده‌اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید. اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عاقبت می‌میرد. آیا گمان می‌کنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده می‌مانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت می‌میرید. شما از دنیا دست بر نمی‌دارید، اما دنیا از شما دست برمی‌دارد. پس ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را در خطر بیاندازید و از حیثیتان در راه دین و ارزشها مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعفا و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده‌اید.

گروههایی از مردم برده‌ی اینان شده‌اند و مثل برده‌های مقهور و شکست خورده، زیر دست و پای آنان له میشوند. عده‌ای نان شبشان را نمی‌توانند تهیه کنند. در هر شهری عده‌ای را گماشته‌اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمیتوانند دستی را که به سمتشان می‌آید تا به آنها زور بگویند، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه‌ی این صحنه‌ها را میدیدید و کاری نمی‌کردید. اینان عده‌ای ستمگر و صاحبان قدرت‌اند که علیه ضعفا و محرومین بسیار خشن عمل می‌کنند و به روش غیر اسلامی حکومت می‌کنند و متأسفانه بی‌چون و چرا هم اطاعت می‌شوند. در حالی که نه خدا را می‌شناسند و نه آخرت را قبول دارند. تعجب می‌کنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و یهن است، عده‌ای باج بگیر حکم میرانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عاطفه و انسانیت و مهربانی نبرده‌اند و شما هم باز ساکتید.

\*خدایا تو می‌دانی که قیام ما له‌له زدن برای سلطنت، تنافس در قدرت و گدایی دنیا و شهرت نیست، بلکه تنها برای برپا کردن نشانه‌های دین تو قیام کردیم. این علامتهای راهنمایی و تابلوهای راه را انداخته‌اند و من می‌خواهم دوباره این تابلوها را برپا کنم. قیام برای این است که مردم گیج و گمراه شده‌اند و باید آگاه شوند و باید خونمان را به صورت این خواب زده‌ها بپاشیم تا بیدار شوند.

